

خواب بد پادشاه

پادشاه، توی رختخواب دراز کشیده و چشم‌هایش بسته بود. صورتش عرق کرده و اخم‌هایش درهم بود. انگار داشت خواب بدی می‌دید. یک دفعه از خواب پرید و خدمتکار را صدا زد. خدمتکار برایش آب آورد. آب را خورد و خواست بخوابد؛ اما این قدر ترسیده بود که دیگر خوابش نبرد. سعی کرد به خوابش فکر نکند، ولی هرکار کرد نشد.

پادشاه توی رختخوابش غلت زد و غلت زد تا اینکه صبح شد. صبحانه‌اش را با بی میلی خورد. بعد از صبحانه، به یکی از نگهبان‌ها دستور داد خواب‌گزارِ قصر را صدا بزند تا خواب او را تعبیر کند. خواب‌گزار کسی بود که معنای خواب‌ها را می‌دانست. تا وقتی که خواب‌گزار بیاید، پادشاه دلش شور می‌زد. بالأخره خواب‌گزار آمد. پادشاه خوابش را برای او تعریف کرد و گفت: دیشب خواب ترسناکی دیدم. خواب دیدم یک دفعه همه دندان‌هایم از توی دهانم کنده شدند و بیرون ریختند. من خیلی ترسیده بودم. آیا می‌توانی این خواب را تعبیر کنی؟

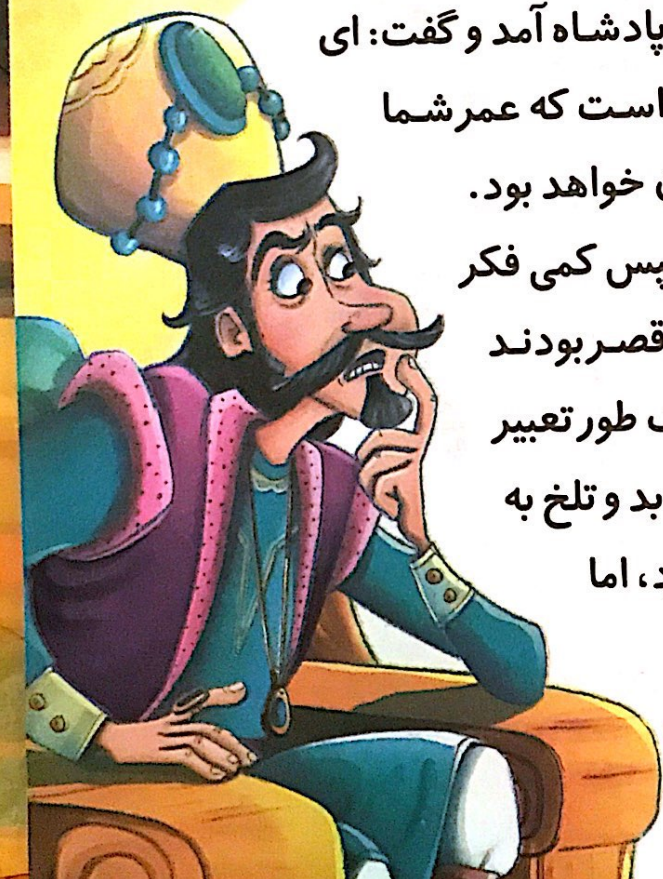
خواب‌گزار تعظیم کرد و گفت: بله قربان! تعبیر خواب شما این است که همه دوستان و خانواده و نزدیکان شما، قبل



از شما می‌میرند؛ به طوری که شما تنها می‌مانید و غیر از شما هیچ کس زنده نمی‌ماند.

پادشاه با شنیدن این حرف اخم‌هایش درهم رفت. او از روی تختش بلند شد و به طرف خواب‌گزار آمد. بعد به نگهبانی که کنار خواب‌گزار ایستاده بود نگاه کرد و با عصبانیت فریاد زد: این مرد را از جلوی چشمم دور کنید و به او صد شلاق بزنید. اگر همه دوستان و نزدیکانم بمیرند، من چرا باید زنده بمانم؟ بعد از اینکه نگهبان، خواب‌گزارِ قصر را بیرون برد، پادشاه دستور داد خواب‌گزار دیگری بیاورند. خواب‌گزار جدید که آدم زرنگی بود، وقتی قضیه خواب‌گزار قبلی را شنید، با خودش فکر کرد: چگونه خواب پادشاه را تعبیر کنم که او ناراحت نشود.

خواب‌گزار راهی پیدا کرد. او پیش پادشاه آمد و گفت: ای پادشاه بزرگ! تعبیر خواب شما این است که عمر شما طولانی‌تر از بقیه دوستان و نزدیکانتان خواهد بود. پادشاه با این تعبیر آرام شد. سپس کمی فکر کرد و رو به یکی از کسانی که توی قصر بودند گفت: هر دو خواب‌گزار، خوابم را یک‌طور تعبیر کردند. خواب‌گزارِ قصر آن را با زبانی بد و تلخ به من گفت، و من را ناراحت و ناامید کرد، اما





این خواب‌گزار همان حرف را طوری گفت که من خوشحال و امیدوار شدم. یک حرف را دو جور می‌توان زد: هم جوری که کسی از آن ناراحت شود، هم جوری که آدم را خوشحال کند. سپس دستور داد به این خواب‌گزار صد سکه بدهند. این‌گونه بود که خواب‌گزار جدید به خاطر اینکه حقیقت را با زبان خوب و شیرین بیان کرد، از مجازات نجات پیدا کرد و پاداش گرفت.

